

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس خارج فقه

سال تحصیلی (۱۴۰۱ - ۱۴۰۲)

مشهد مقدس

توسط استاد:

سید ابوالفضل طباطبائی اشکذری

فقه‌المسجد (مسجد تراز انقلاب اسلامی)

درس شانزدهم: (شنبه ۱۴/۰۸/۱۴۰۱؛ برابر با ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴)

الباب الثاني: امكانيات المسجد

الثالث: قضاء حوائج الناس (تقديم الخدمات الاجتماعية للمجتمع)

مطالبی درباره‌ی حضرت معصومه علیها السلام

دهم ربیع‌الثانی مصادف با سالروز وفات شهادت‌گونه حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها است. این مناسبت را به محضر ولی نعمتان حضرت ثامن‌الحجج علی بن موسی‌الرضا المرتضی علیه السلام، حضرت صاحب‌الامر علیه السلام، مراجع عظام تقلید، به‌ویژه مقام معظم رهبری و به عموم شیعیان تسلیت عرض می‌نمایم.

از این‌رو در ابتدای بحث مطالبی را درباره‌ی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام خدمت شما عزیزان تقدیم می‌دارم:

ایشان (فاطمه معصومه) دختر امام کاظم علیه السلام است، عناوین ارزشمندی از حضرات معصومین علیهم السلام درباره‌ی ایشان گفته‌شده که نشان از بزرگی و عظمت مقام ایشان دارد؛ یعنی ایشان (فاطمه معصومه علیها السلام) با این‌که معصوم هم نیستند؛ اما معصومین علیهم السلام، فضائلی را در باب شخصیت، زیارت و شفاعت ایشان فرموده‌اند؛ تا جایی که حتی برای ایشان زیارت‌نامه‌ی مأثوره‌ای هم از ناحیه معصوم وارد شده است.

بیشتر این فضایل و ارزش‌ها با محوریت ولایت و امامت است؛ همان‌گونه که در زیارت ایشان آمده است: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ»؛ یعنی فضیلت این است که با ولایت پیوند خورده باشد؛ البته این تعابیر (بنت، أُخت، عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ) پیوند نسبی است و فضیلتی عام به‌شمار

می‌آید؛ اما این پیوند نسبی هنگامی تأثیرگذار خواهد بود که فضیلت‌هایی نیز از سوی خود آن شخصیت با محوریت امام دریافت شود؛ از این رو تعبیری از سوی برخی‌ها درباره‌ی ایشان گفته شده است؛ همانند آن‌چه که برخی مورخین نوشته‌اند: «انها رضعت من ثدی الامامة و الولاية»^۱؛ حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از سرچشمه ولایت و امامت شیر نوشیده، رشد کرده و بزرگ شده است؛ همه‌ی این‌ها از خانه‌ی ولایت و امامت بوده است.

ایشان در دامن ایمان و طهارت رشد کرده است؛ به‌ویژه این‌که پس از شهادت امام کاظم علیه السلام و قرار گرفتن مدیریت و سرپرستی امور فرزندان ایشان به‌دست امام رضا علیه السلام، تأثیر فراوانی در شخصیت فاطمه معصومه علیها السلام داشته است. [شخصیت ایشان به‌گونه‌ای بود که] امام رضا علیه السلام لقب «معصومه» را به ایشان دادند و فرمودند: «من زار المعصومة بقم کمَن زارنی»^۲؛ کسی که فاطمه معصومه علیها السلام را در قم زیارت کند، همانند آن است که مرا زیارت کرده باشد.

سؤال: معنای «کَمَن زارنی» چیست؟

جواب: «کَمَن زارنی»؛ یعنی زیارت کننده؛ یعنی زیارت حضرت معصومه علیها السلام برابری با زیارت امام رضا علیه السلام می‌کند.

درباره‌ی فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام به‌جایی می‌رسیم که امام جواد علیه السلام در جواب علی بن مهزیار -که به امام عرضه داشت: قربانت گردم! زیارت امام رضا علیه السلام برتر است یا زیارت امام حسین علیه السلام؟- فرمود: «زِيارَةُ أَبِي أَفْضَلُ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَزُورُهُ كُلُّ النَّاسِ، وَأَبِي لَا يَزُورُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ مِنَ الشَّيْعَةِ»^۳؛ زیارت پدرم برتر است، زیرا امام حسین علیه السلام را همهٔ مردم زیارت می‌کنند؛ ولی پدرم را جز خواص شیعه زیارت نمی‌کنند.

۱ - اعلام النساء المؤمنات (الحسن، محمد)، ص ۶۷۲.

۲ - رباحین الشریعة، ج ۵، ص ۳۵.

۳ - کافی، ج ۴، ص ۵۸۴، ح ۱.

البته علت این برتری به خاطر فضیلت عقیده زائر است و از باب فضل مزور نیست.

هنگامی که این‌ها را کنار هم بگذاریم، مقام فاطمه معصومه علیها السلام بسیار بالا خواهد شد، زیرا «کَمَنْ زَارَنِي» می‌شود «کَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ» و «مَنْ زَارَنِي، كَمَنْ زَارَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ یعنی این قابل تسری است.

تعبیر دیگری که درباره‌ی شخصیت فاطمه معصومه علیها السلام وارد شده، موضوع شفاعت آن حضرت است. شکی در این نیست که ایشان دارای مقام شفاعت هستند؛ اما سؤال این است که گستره و دامنه‌ی شفاعت ایشان تا کجاست؟ امام صادق علیه السلام، نخستین امامی است که درباره‌ی حضرت معصومه علیها السلام سخنانی را فرموده‌اند.

در روایتی از ایشان این‌گونه منقول است:

رَوَى عِدَّةٌ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ أَنَّهُمْ دَخَلُوا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، وَقَالُوا: نَحْنُ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ، فَقَالَ عليه السلام: «مَرْحَبًا بِأَخَوَانِنَا مِنْ أَهْلِ قُمْ، فَقَالُوا: نَحْنُ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ، فَأَعَادَ عليه السلام الْكَلَامَ، قَالُوا: ذَلِكَ مِرَارًا وَاجَابَهُمْ بِمَثَلِ مَا أَجَابَ بِهِ أَوَّلًا، فَقَالَ عليه السلام: «إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ، وَإِنَّ لِلرَّسُولِ صلی الله علیه و آله حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ، وَإِنَّ لَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ، وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلْدَةُ قُمْ وَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ، فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ!».

از عده‌ای از اهالی ری روایت شده است که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند و گفتند: ما اهل ری هستیم.

امام علیه السلام فرمود: «درود بر برادران قمی ما!». آن عده گفتند: ما اهل ری هستیم! ایشان دوباره همان جمله را فرمود.

آن‌ها چند بار سخنشان را تکرار کردند و امام علیه السلام باز همان جواب را به ایشان داد و سپس فرمود: «خداوند، حرمی

دارد و آن، مکه است. پیامبر صلی الله علیه و آله حرمی دارد و آن، مدینه است. امیرمؤمنان علیه السلام حرمی دارد و آن، کوفه است، و

ما نیز حرمی داریم و آن، شهر قم است. بهزودی بانویی از فرزندان من به نام فاطمه علیها السلام، در آن شهر دفن خواهد شد. هر که او را زیارت کند، بهشت برای او واجب می شود.

این حدیث در نقل دیگری این گونه آمده است: «...تُقَبَّضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وَلَدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَتَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ»؛ در شهر قم زنی از فرزندان من رحلت می کند که نام او فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام است، و همه شیعیان من (که شایسته شفاعت باشند) با شفاعت این خانم وارد بهشت می شوند.

این روایت قبل از ولادت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام صادر شده است و نکته ای عجیب این روایت این جاست که امام صادق علیه السلام فرمود: همه شیعیان با شفاعت حضرت معصومه علیها السلام وارد بهشت می شوند.

البته این مطلب دلالت بر ظرفیت وجودی حضرت معصومه علیها السلام برای شفاعت می کند؛ اما شایستگی و شرایط شفاعت شوندگان نیز باید احراز شود؛ این گونه نیست که ایشان همه را شفاعت کنند، بلکه باید شیعیان شرایط شفاعت را احراز کنند؛ اگرچه ایشان قابلیت شفاعت همه شیعیان را دارند و این نکته ای بسیار مهمی است. از بزرگی سؤال کرده بودند که آیا شفاعت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام برای اهل قم کفایت می کند؟ ایشان فرموده بودند: میرزای قمی برای شفاعت مردم قم کفایت می کند و فاطمه معصومه علیها السلام همه شیعیان را شفاعت می کند! این تعبیر روایی نیز شامل این کلام می شود.

فاطمه معصومه علیها السلام از جایگاه بلندی برخوردار است و امیدواریم در دنیا از زیارت ایشان و در آخرت نیز از شفاعت ایشان بهره مند شویم و با ایشان و همچنین برادرشان امام رضا علیه السلام در آخرت محشور شویم؛ و تسلیت خود را نیز به محضر امام رضا علیه السلام تقدیم می کنیم.

الثالث: قضاء حوائج الناس (تقديم الخدمات الاجتماعية للمجتمع)

در امکانات المسجد، بحثی را تحت عنوان «قضاء حوائج الناس» یا «تقديم الخدمات الاجتماعية» ارائه کردیم. یکی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مسجد، خدمت‌رسانی به مردم در مسجد است؛ این که ارائه خدمات در بخش‌های گوناگون از جمله خدمات اجتماعی مورد نیاز مردم از مستمندان و دیگران در مسجد ارائه شود.

مقصود از ارائه ی خدمات به مردم تنها در مسجد نیست، بلکه این خدمات می‌تواند در بیرون از مسجد و به‌وسیله ی مؤسسه‌های تابع مسجد نیز انجام بشود و یا به هر طریقی که ممکن است صورت گیرد اما با اشراف مسجد باشد، زیرا مسجد جایگاه عامی برای همه دارد؛ از همین رو مسجد باید وقف عام باشد و نمی‌توان مسجد را برای گروهی خاص وقف نمود، چراکه مسجدیتش احراز نمی‌شود؛ البته عنوان «مسجد محله» به خاطر استفاده ی مردم یک محله از آن، آسیبی به وقفیت عام نمی‌زند؛ پس رفت‌وآمد در مسجدی که وقف عام شد، سبب بالا رفتن ظرفیت گردآوری خدمات و به دنبال آن، ارائه ی خدمات نیز فراوان می‌شود.

در این باره در تاریخ اسلام و سیره معصومین علیهم‌السلام، به‌ویژه در شأن نزول برخی از آیات، مصادیق و مؤیدات فراوانی هست. پیش‌تر نیز چند نمونه را بیان کردیم و امروز نیز به نمونه‌ای دیگر از قرآن اشاره می‌کنیم و پس از آن وارد بحث بعدی خواهیم شد.

از جمله چیزهایی که ضرورت استیفای نقش مسجد برای قضای حوائج مؤمنین و ارائه خدمات اجتماعی را تأیید می‌کند، شأن نزول آیه ی ولایت درباره ی صدقه دادن امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در رکوع نمازشان است. پس از

این که ایشان انگشتر خود را در رکوع نماز به فقیر صدقه دادند، این آیه در شأن ایشان نازل شد: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^۱.

ابتدا روایتی را که درباره ی این آیه نقل شده، می خوانیم؛ سپس کیفیت استدلال به آن را بیان می کنیم.

روایت این گونه دارد:

أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعْدٍ [سَعِيدٍ] الْهَمْدَانِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُحَمَّدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ عَيَّاشٍ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ الْآيَةَ قَالَ: «إِنَّ رَهْطًا مِنَ الْيَهُودِ أَسْلَمُوا مِنْهُمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ وَأَسَدٌ وَثَعْلَبَةُ وَابْنُ يَامِينَ وَابْنُ صُورِيَا فَاتَّوَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوا: يَا نَبِيَّ اللَّهِ إِنْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَام أَوْصَى إِلَى يُوْشَعَ بْنِ نُونٍ فَمَنْ وَصِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ وَلِينَا بَعْدَكَ فَتَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ - ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَوْمُوا فَقَامُوا فَاتَّوَا الْمَسْجِدَ فَإِذَا سَائِلٌ خَارِجٌ فَقَالَ يَا سَائِلُ أَمَا أُعْطَاكَ أَحَدٌ شَيْئًا قَالَ نَعَمْ هَذَا الْخَاتَمُ قَالَ مَنْ أُعْطَاكَ قَالَ أَعْطَانِي ذَلِكَ الرَّجُلُ الَّذِي يُصَلِّي قَالَ عَلَى أَيِّ حَالٍ أُعْطَاكَ قَالَ كَانَ رَاكِعًا فَكَبَّرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَبَّرَ أَهْلُ الْمَسْجِدِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَلِيُّكُمْ بَعْدِي قَالُوا رَضِينَا بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَلِيًّا فَانْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾^۲ فَرُوي عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ أَنَّهُ قَالَ وَاللَّهِ لَقَدْ تَصَدَّقْتُ بِأَرْبَعِينَ خَاتَمًا وَأَنَا رَاكِعٌ لَيَنْزَلَ فِيَّ مَا نَزَلَ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام فَمَا نَزَلَ^۳.

۱ - «سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آن ها که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند»؛ (مائدة: ۵۵/۵).

۲ - «و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند، پیروند؛ (زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است»؛ (مائدة: ۵۶/۵).

۳ - امالی صدوق، ص ۱۲۴، ح ۴؛ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۸۳، ح ۱؛ تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ص ۱۵۸؛ روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (ط - القديمة)، ج ۱، ص ۱۰۲.

امام باقر علیه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل: ﴿سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند ...﴾ فرمود: گروهی از یهودیان مانند عبدالله بن سلام و اسد و ثعلبه و ابن یامین و ابن صوری مسلمان شدند و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا! موسی، یوشع بن نون را وصی خود کرد، وصی شما کیست؟ چه کسی پس از تو سرپرست ما است؟ پس این آیه نازل شد ﴿سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند﴾ سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برخیزید، آن‌ها برخاستند و به مسجد آمدند، ناگهان سائلی بیرون می‌آمد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای سائل، کسی چیزی به تو نداد؟ گفت چرا، این انگشتر را دادند و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه کسی به تو [انگشتر] داد؟ گفت آن مردی که نماز می‌خواند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در چه حالی به تو [انگشتر] داد؟ گفت در حال رکوع؛ پیامبر تکبیر گفت و اهل مسجد نیز تکبیر گفتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام پس از من ولی شما است. گفتند: به پروردگاری خدا و به دین اسلام و به پیامبری محمد صلی الله علیه و آله و به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام خوشنودیم؛ سپس خدا این آیه را فرستاد: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ از عمر بن خطاب روایت شده که من چهل انگشتر در حال رکوع صدقه دادم تا برای من [آیه‌ای] نازل شود [همانند] آنچه درباره ی علی علیه السلام نازل شد و چیزی نازل نشد.

هدف پیامبر صلی الله علیه و آله از این کار این بود که به مردم نشان دهد آن کسی که در حال رکوع انگشترش را صدقه

داده، جانشین و وصی پس از پیامبر است

کیفیت استدلال:

شاهد استدلال در این روایت کجاست؟

بنا بر آیه ی شریفه هنگامی که فقرا و نیازمندان به خدمات اجتماعی و کمک نیاز داشتند به مسجد می‌رفتند [جای دیگر نمی‌رفتند؛] دست کم معروف‌ترین و مهم‌ترین مرکز امید آن‌ها مسجد بوده است.

مراجعه به مسجد نیز مورد نهی واقع نشده و مؤید آن هم این است که وقتی سائل به مسجد آمد و کمک خواست، امیرمؤمنان علی علیه السلام انگشترش را در حال رکوع به او بخشیده است. از این جهت استفاده می‌شود که مسجد می‌تواند ظرفیت و توانمندی رسیدگی و ارائه ی خدمات اجتماعی مناسب به همه ی مردم را داشته باشد. آن که فقیر است برای دریافت کمک می‌آید و آن که ثروتمند است برای کمک به فقرا می‌آید. پس مسجد، مرکز دریافت و تقسیم خدمات اجتماعی است که خدمات اقتصادی همانند صدقه دادن، نمونه‌ای از آن خدمات است و در حقیقت هنگامی که صدقه دادن در مسجد مورد توجه قرار بگیرد همان گونه که امیرمؤمنان علی علیه السلام انجام داد، عامل مهمی در فقرزدایی از جامعه می‌شود؛ بنابراین ظرفیت مسجد، کمک به اقتصاد جامعه و فقرزدایی از آن است، همان گونه که امام علی علیه السلام در حکمت هفتم نهج البلاغه می‌فرمایند: «الْصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ»؛ صدقه دادن، دارویی ثمربخش است.

[این سخن تنها یک نصیحت از سوی ایشان نیست، بلکه بُعدی از ابعاد تأثیرگذاری اجتماعی آن را در جامعه ی سالم دینی بیان می‌کند.

پس روایت، بیانگر وجود این ظرفیت (تقديم الخدمات الاجتماعية للمجتمع) در مسجد است و با استناداتی که بیان کردیم، می‌شود در مسجد از این ظرفیت استفاده نمود.